

کارایی و اثربخشی در مطالعات تطبیقی ادیان

چکیده: اخذ روی آورد تطبیقی در گستره الهیات و معارف اسلامی نزد دانشمندان مسلمان به ویژه فقها و متکلمان سابقه طولانی دارد؛ اما دین شناسی تطبیقی در مفهوم جدید کلمه یکی از روی آوردهای نوین دین پژوهی است که حاصل مدرنیسم و مبتنی بر نگرش جدید به دین است. وضعیت موجود مطالعات تطبیقی دین در روزگار و جامعه ما با وضعیت مطلوب فاصله قابل تأمل دارد. موانع روش شناختی فراوانی، کارایی و اثربخشی مطالعات تطبیقی را در دین پژوهی کاهش می دهند: تصویر تحویلی نگر از آن، آفت ظاهرگرایی در فرایند تطبیقی، آفت موضوع محوری، عدم تمایز مشکل و مسئله، در آمیختن مسائل درجه اول و درجه دوم و بسنده کردن به مقام توصیف (و عدم اهتمام به تبیین) از اهم این موانع هستند.

کلیدواژه: دین شناسی تجربی، مدرنیسم، دین پژوهی تطبیقی، مسئله محوری.

۱. طرح مسئله

مطالعه تطبیقی^۱ از رهیافت‌های روشنگر در شناخت امور است. اخذ این رهیافت و شکل‌های گوناگون آن، سابقه بسیار طولانی در تاریخ علم و دانش بشری دارد. محققان مسلمان به ویژه فقها و متکلمان در دوره اسلامی نیز از روی آورد تطبیقی بهره می‌برده‌اند. نگارش آثاری چون الخلاف و یا المختلف نمونه‌هایی از آن است. اما شکل نوین رهیافت مقایسه‌ای در دین‌شناسی، حاصل عصر تجدد گرایی است. در کشور ما نیز ابتدا مراکز دانشگاهی و آن‌گاه پس از پیروزی انقلاب اسلامی در حوزه‌های علمیه، گروه‌های علمی معطوف به دین‌شناسی تطبیقی شکل گرفتند.

اینکه وضعیت مطالعه تطبیقی ادیان در ایران معاصر چگونه است و به تعبیر دقیق‌تر وضعیت موجود^۲ با وضعیت مطلوب^۳ چه فاصله‌ای دارد، درخور تأمل است. یکی از ملاک‌های ارزیابی وضعیت دین‌پژوهی، سنجش آن در ترازوی بهره‌وری^۴ است. بهره‌وری از دو مقوم کارایی^۵ و اثربخشی^۶ تألیف یافته است. آیا پژوهش‌های تطبیقی در حوزه دین‌شناسی از حیث تولید علم، کارا و اثربخش‌اند؟

ملاک سنجش کارایی و اثربخشی در دین‌پژوهی تطبیقی، سهم چنین مطالعاتی در تولید جهانی علم، حضور در محافل علمی از طریق انتشار نتایج تحقیقات در مجله‌های علمی - پژوهشی بین‌المللی به ویژه ISI و مهم‌تر از همه میزان تأثیر بر مطالعات بعدی است. عنصر اخیر از طریق بررسی میزان ارجاعاتی که به بررسی‌های تطبیقی منتشر شده انجام می‌شود، قابل سنجش و ارزیابی است.

پس از پاسخ به مسئله وضعیت موجود دین‌پژوهی تطبیقی در روزگار ما و بیان فاصله آن با وضعیت مطلوب، می‌توان به مسئله تبیین پرداخت و از علل یا عواملی که در تکون وضعیت موجود نقش دارند، جست‌وجو کرد. در مقام پاسخ به مسئله دوم باید به این نکته روش‌شناختی توجه داشت که پدیده‌ای چون «وضعیت موجود مطالعه تطبیقی در روزگار ما»

- | | |
|-----------------------|--------------------|
| 1. comparative study. | 4. productiveness. |
| 2. present state. | 5. efficiency. |
| 3. desired state. | 6. effectiveness. |



امر کثیر الاضلاع و واقعیتی چندعاملی^۷ است و به همین دلیل تبیین‌های^۸ مختلف می‌پذیرد. محقق باید بر حسب اغراض صناعی به علت یا عوامل معینی عطف توجه کند و البته آن را به معنای انکار، نفی و حتی کم‌اهمیت بودن سایر عوامل نداند. نگارنده این سطور، به دلیل دغدغه‌های روشی، به بررسی عوامل مربوط به روش‌شناسی مطالعات تطبیقی ادیان می‌پردازد و بر حسب چنین دغدغه‌ای، از رخنه‌ها و خللی روش‌شناختی توسعه‌نیافتگی دین‌پژوهی تطبیقی جست‌وجو می‌کند. بدیهی است دامنه تحقیق روزگار و جامعه ما (ایران معاصر) است.

۲. ضرورت طرح مسئله

مطالعه تطبیقی ادیان از روی آوردهای مهم در دین‌شناسی است و توسعه روش‌شناسی دین‌پژوهی در گرو کارایی و اثربخشی همه‌روی آوردهای آن است و شکوفایی و رشد گستره دین‌شناسی و علوم مربوط به آن نیز منوط به توسعه روش‌شناسی آنهاست. امروزه، مطالعات تطبیقی ادیان، نقش راهبردی در حل بسیاری از مسائل نظری و عملی در الهیات، کلام، فلسفه دین و سایر دانش‌های مربوط به دین‌شناسی دارد. به عنوان نمونه، بدون مطالعه اثربخش در دین‌پژوهی تطبیقی نمی‌توان به الگویی در گفت‌وگوی ادیان دست یافت. پاسخ به مسائلی چون کثرت‌گرایی دینی^۹، وحدت و کثرت در تجارب دینی، دین و جهانی شدن، مستلزم اخذ رهیافت تطبیقی در دین‌شناسی است.

به طور کلی، هر آنچه مطالعه تطبیقی ادیان را ضروری می‌نماید، تأمل در کارایی و اثربخشی این گونه مطالعه را نیز الزامی می‌کند. این سخن در دانش مدیریت معروف است که «اگر به من تبری دهند و درختی و هشت ساعت وقت برای انداختن درخت، شش ساعت وقتم را برای تیز کردن تبر صرف می‌کنم».

7. multi factorial.

8. explanation.

۹. عنوان مشهور پلورالیسم دینی عاری از القاکنندگی نیست؛ زیرا در واقع مسئله متضمن پاسخ به آن نیز هست و نه صرفاً مُشیر به مسئله؛ کما اینکه حصر‌گرایی دینی و یا شمول‌گرایی دینی نیز پاسخ‌های دیگر به همان مسئله است. اخذ پاسخ در عنوان مسئله موجب سوی‌گیری تحقیق می‌گردد و به همین دلیل مناسب است از عنوان‌هایی چون «ما و دیگر ادیان» استفاده کنیم.

۳. بستر مدرنیستی مطالعات تطبیقی ادیان

توجه به بستر و زمینه‌هایی که دین‌شناسی تطبیقی در مفهوم نوین کلمه در آن زمینه‌ها به میان آمده است، به فهم وضعیت آن در روزگار ما پرتو می‌افکند. چنانچه بیان شد، استفاده از مقایسه و مقارنه بین آرا و دیدگاه‌ها در سنت مطالعات در فرهنگ اسلامی سابقه طولانی دارد و به‌ویژه در دانش‌هایی چون فقه و کلام از شکوفایی برخوردار است. اساساً اخذ روی آورد مقایسه‌ای، ریشه قرآنی دارد و ترغیب به آن را در احادیث و روایات نیز می‌توان مشاهده کرد؛ از جمله روایتی که کلینی نقل می‌کند: *من استقبل وجوه الآراء عرف مواقع الخطا* (کلینی، ج ۸، ص ۲۲).

اما، دین‌پژوهی تطبیقی در مفهوم امروزی را باید حاصل مدرنیسم و مبتنی بر مبانی آن و برآمده در چنین فضا و الگوهای معرفتی بدانیم. یکی از مهم‌ترین عناصر فضای مدرنیستی، ظهور دین‌شناس‌های جدید (غالباً تجربی) و ابتنای آنها بر نگرش خاصی به دین است. دانش‌هایی را که به نحوی به دین تعلق دارند، بر دو قسم می‌توان تقسیم کرد: گروهی از معارف دینی بر نگرش سنتی به دین استوارند، و گروهی دیگر بر نگرش تازه به دین مبتنی‌اند. دو مفهوم سنتی و نوین در این کاربرد عاری از هر گونه ارزش‌داوری‌اند و صرفاً به ملاک زمان اشاره می‌کنند.

وحی و دین در نگرش سنتی به منزله پیام آسمانی برای بشر و تجلی خداوند برای انسان تلقی می‌شود و به همین دلیل مواضع گوناگونی چون تصدیق و ایمان، تکذیب و کفر و اعراض در قبال آن اخذ می‌گردد. بر این اساس علوم‌ی که هویت و واسطه‌ای بین وحی و مخاطبان دارند، تولد می‌یابد (فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۷۶، ص ۱۰۰ - ۱۲۰). در قرن نوزدهم میلادی نگرش دیگری به دین به میان آمد که در پرتو آن، مطالعات خدامحور به پژوهش‌های دین‌محور تبدیل یافت (ر. ک: هیک، ص ۱۸۵ و ۱۸۶). در این نگرش، دین به منزله واقعیتی انکارناپذیر و مؤثر در زندگی آدمی در خور مطالعه و شناخت تجربی و عینی قرار گرفت. روان‌شناسی دین، جامعه‌شناسی دین، تاریخ دین و دین‌شناسی تطبیقی، حاصل چنین نگرشی هستند (ر. ک: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۰، ص ۶۴ - ۷۰).

سخن فوق استعداد دو فهم ناروا را دارد و به همین دلیل تأکید می‌شود که اولاً دو



نگرش یادشده منطقی مانعةالجمع نیستند؛ اما بسیاری از دین پژوهان آغاز دوره جدید، آن دورا ناسازگار یافته و این را که دین واقعیت در زندگی بشری است به معنای هویت این جهانی داشتن دین می پنداشتند. ثانیاً سخن فوق به معنای آن نیست که هر گونه دین شناسی تطبیقی لزوماً بر نگرش نوین به دین استوار است، بلکه بدان معنا است که این گونه دین پژوهی عضوی از خانواده دین شناسی های تجربی مبتنی بر نگرش نوین به دین است.

ابتنای دین پژوهی تطبیقی بر نگرش نوین به دین، لوازم معرفتی و روش شناختی فراوانی دارد. هریک از این لوازم می تواند در کارایی و اثربخشی مطالعات تطبیقی دین در روزگار ما تاثیر داشته باشد. معطوف بودن به سطح واقعیت و عاری بودن از قضاوت در خصوص حقانیت (یونگ، ص ۱)، گزینشی بودن، جزئی نگری^{۱۰} در برابر کل گرایی روش شناختی^{۱۱} و استعداد سوق محقق به تحویلی نگری^{۱۲} از جمله این لوازم است.

۴. سهم دین پژوهان تطبیقی روزگار ما در تولید علم

کارایی و اثربخشی، ترازوی سنجش وضعیت موجود در مطالعات تطبیقی دین در روزگار ما است. به دست آوردن میزان دقیق کارایی و اثربخشی محتاج مطالعه نظام مند است؛ اما آنچه به عنوان شاخص قابل اعتماد برای توصیف اجمالی به کار می آید، توجه به سهم محققان این حوزه مطالعاتی در تولید علم است. دو علامت عمده، تولید علم را نشان می دهد: یکی حضور مقاله هایی که از چنین تحقیقاتی به دست می آیند، در نشریه های علمی پژوهشی بین المللی به ویژه نشریه های نمایه شده معتبر مانند ISI، دیگری، میزان ارجاعاتی که دیگر محققان به چنین تحقیقاتی می دهند و در مقام نقد و داوری، یا تکمیل آنها بر می آیند.

علی رغم وجود محققان فراوان و گروه های علمی و علی رغم هزینه های تحقیقاتی، از حضور فعال و مطلوب مقاله ها در چنین نشریه هایی خبری نیست. تحقیقاتی که در مقیاس تاریخ علم نوآوری داشته باشد و بر تحقیقات خلف مؤثر افتد و سهم ملی ما را در

10. detailism.

11. methodological holism.

12. reductionism.

تولید علم افزایش دهد، در دین‌شناسی تطبیقی، کیمیا است. جای تأمل و دریغ‌گویی است که بسیاری از محققان ما صرفاً مدرّس‌اند (و نه مؤسس) و مدرسان ما مترجم. کلاس‌های درس انعکاسی از برگردان عجالتی تحقیقات دیگران شده است. جهت‌گیری آموزشی، اطلاع‌رسانی و ترویجی بر جهت‌گیری پژوهشی سخت سایه افکنده است. رنجوری به حدی رسیده است که به جای تقویت پژوهش و تلاش برای نیل به استانداردهای جهانی، سعی در حذف آنها می‌کنیم.

این وضعیت - میزان سهم ما در تولید جهانی علم در دین‌شناسی تطبیقی - در حالی است که در گستره الهیات و عرصه دین‌پژوهی، انبوهی از پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکترا و طرح‌های تحقیقاتی همکاران هیئت علمی به مطالعه تطبیقی روی می‌آورند. چرا چنین وضعیتی داریم؟ به هزار و یک علت! اما در میان هزار و یک علت، می‌توان از عوامل روش‌شناختی نیز سخن گفت که فقدان کارایی و نقصان اثربخشی مطالعات تطبیقی در روزگار ما را تبیین و قابل فهم می‌سازد.

۵. تصویر تحویلی نگر از مطالعه تطبیقی

یکی از مهم‌ترین موانع کارایی و اثربخشی دین‌شناسی تطبیقی، تصور ناقص و نارسا از ماهیت چنین مطالعه‌ای است. بنابر یک اصل بسیار ساده، موفقیت در گرو تصور فرد از فعالیت است؛ زیرا کامیابی در هر فعالیتی محتاج به استعمال ابزار مناسب و اخذ روش شایسته است و برگرفتن روش و ابزار مناسب در گرو تصور کامل از فعالیت است (نک: فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۳، ص ۳۵).

تصور تحویلی نگر از مطالعه تطبیقی از مهم‌ترین آفات دین‌پژوهی تطبیقی است. مراد از تحویلی‌نگری، برگرفتن وجهی از مطالعه تطبیقی و بی‌خبری و یا انکار سایر ابعاد آن است. اخذ تصویر ناقص از دین‌پژوهی تطبیقی، مواضع مختلفی دارد:

عده‌ای مطالعه تطبیقی را همان مقایسه می‌دانند. بسیاری از پایان‌نامه‌های تحصیلی، کتاب‌ها و مقاله‌های پژوهشی که به بحث تطبیقی می‌پردازند، صرفاً به مقایسه بین امور بسنده می‌کنند. وقتی از چنین محققانی می‌پرسیم مطالعه تطبیقی چیست، پاسخ می‌دهند: مقایسه پدیدارها و یا دیدگاه‌ها.

مطالعه تطبیقی فرایندی بیش از صرف مقایسه است. به عبارت دیگر، مقایسه در

پژوهش تطبیقی، هدف نیست بلکه ابزاری برای دست‌یابی به شناخت عمیق‌تر و فهم ژرف‌تر است. مطالعه تطبیقی باید مسئله‌ای نظری یا عملی را حل کند.

از مواضع دیگر تصویر تحویلی‌نگری، حصر مطالعه تطبیقی در جست‌وجو از شباهت‌ها است. برخی گمان می‌کنند: هدف از بررسی تطبیقی، نشان دادن یکسانی و انطباق است. به گمان آنان مطالعه تطبیقی وحی، در مسیحیت و اسلام به معنای نشان دادن تلقی بیش و کم یکسان از وحی در دو دین یاد شده است. چنین تلقی سبب سوی‌گیری در دین پژوهی تطبیقی می‌گردد و سوی‌گیری سبب پنهان ماندن اختلاف‌ها و بزرگ‌نمایی شباهت‌های ظاهری می‌شود و این امر عینیت و واقع‌نمایی تحقیق را از بین می‌برد.

موضع سوم تصویر تحویلی‌نگری برعکس موضع دوم است: حصر مطالعه تطبیقی در جست‌وجو از تفاوت‌ها. یکسان‌انگاری پژوهش تطبیقی با کشف خلاف‌ها و تفاوت‌ها نیز سبب سوی‌گیری تحقیق می‌شود. بنابراین محقق در مطالعه تطبیقی هم باید به شباهت‌ها چشم‌بدوزد و هم تفاوت‌ها را صید کند؛ در عین حال وظیفه او صرفاً جمع‌آوری شباهت‌ها و تفاوت‌ها نیست؛ بلکه آنها اطلاعاتی هستند که در فرایند پردازش اطلاعات به تولید علم و یا حل مسئله می‌انجامند.

یکی از رایج‌ترین مواضع تصویر تحویلی‌نگر، حصر مطالعه تطبیقی در توصیف شباهت‌ها و تفاوت‌ها است. در این باره سخن خواهیم گفت.

۶. آفت ظاهرگرایی در دین‌شناسی تطبیقی

مراد از ظاهرگرایی، حصر توجه به موارد شباهت و تفاوت ظاهری و جست‌وجو نکردن از مواضع خلاف و وفاق واقعی است. بسیار اتفاق می‌افتد که شباهت‌های ظاهری محقق را از رؤیت خلاف بنیادین باز می‌دارد و این ساده‌انگاری او را به داوری‌های بی‌اساس می‌نشانند. داوری‌های مبتنی بر تشابه‌های ظاهری و ناشی از بی‌خبری به تفاوت‌های واقعی را منشأ گمراهی رایج می‌داند:

از قیاسش خنده آمد خلق را

کو چو خود پنداشت صاحب‌دلق را

کار پاکان را قیاس از خود مگیر

گرچه ماند در نبشتن شیر شیر

جمله عالم زین سبب گمراه شد
کم کسی ز ابدال حق آگاه شد
نمونه‌ای از تشابه ظاهری در مقایسه خود با انبیا و اولیا نمایان می‌شود:

گفته اینک ما بشر ایشان بشر
ما و ایشان بسته‌خواییم و خور
این ندانستند ایشان از عمی
هست فرقی در میان، بی‌منتهی

مولوی مثال‌های فراوان از این نوع ظاهرگرایی ناشی از توجه به شباهت‌های
ظاهری ارائه می‌کند (مثنوی، ج ۱، ص ۲۶۲-۲۷۱):

هر دو گون زنبور، خورند از محل
لیک شد زان نیش و زین دیگر عسل
هر دو گون آهو گیا خوردند و آب
زین یکی سرگین شد و زان مشک ناب
هر دو نی خوردند از یک آب‌خور
این یکی خالی و آن پر از شکر
صد هزاران این چنین اشباه بین
فرقشان هفتاد ساله راه بین

حصر توجه به ظاهر و عدم ژرف‌نگری به لایه‌های زیرین پدیده‌ها در بررسی
تطبیقی، غالباً ناشی از نوعی حصرگرایی روشی است. حصر توجه به روی آورد مستقیم
در مطالعه پدیدارها و دیدگاه‌ها و عدم اخذ روی آوردهای غیرمستقیم مهم‌ترین عامل
ظاهرگرایی است. روی آورد مستقیم در شناخت امور، البته رهگشا است، اما تنها بُعدی
از آنها را مکشوف می‌سازد. برای شناخت همه ابعاد باید از دیگر روی آوردها نیز بهره
جست. به عنوان مثال وقتی به تطبیق دیدگاه مولوی و تیلیخ در تجربه دینی و ایمان
می‌پردازیم، توجه به عبارات و نوشته‌های آن دو البته راهگشا است؛ اما بسنده کردن به
آنها چشم محقق را به ابعاد خاصی نابینا می‌سازد و مطالعه تطبیقی را از کارایی دور
می‌سازد.

بنابراین، مهم‌ترین گام در دین‌پژوهی تطبیقی عبور از موارد شباهت و تفاوت



ظاهری و دست‌یابی به مواضع خلاف و وفاق واقعی است. این امر محتاج فنون و ابزارهایی است که در دو اثر روش‌شناسی مطالعات دینی و اصول و فنون پژوهش در گستره دین پژوهی به آنها اشاره کرده‌ایم.

عامل دیگر، در ظاهر‌گرایی، موضوع محور بودن برنامه مطالعاتی است. محققانی که مسئله محور به بررسی تطبیقی می‌پردازند، کمتر از کسانی که موضوع محور به تتبع می‌پردازند، دچار ظاهر‌گرایی می‌شوند. به همین دلیل به اختصار از آسیب موضوع محوری در دین‌شناسی تطبیقی سخن می‌گوییم.

۷. آفت موضوع محوری

تمایز اساسی مطالعات پژوهشی از برنامه‌های آموزشی - تربیتی، اطلاع‌رسانی و نیز مطالعات پراکنده، تولید علم و یا نوآوری در مقیاس تاریخ علم است و این امر در گرو روی آورد مسئله محور است. موضوع محور بودن در مطالعه تطبیقی سبب می‌شود تا محقق از ژرف‌نگری بازماند و به توصیف دقیق و علمی دست نیابد. رایج‌ترین آفت در مطالعات تطبیقی در روزگار ما، گرایش به موضوع محوری است. پایان‌نامه‌ای به بررسی تطبیقی وحی از دیدگاه مسیحیت در اسلام می‌پردازد. فصلی را به وحی از دیدگاه مسیحیت اختصاص می‌دهد و فصل دیگر را به بررسی وحی از دیدگاه اسلام و در فصل آخر به بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌ها می‌پردازد. ساختار پایان‌نامه، موضوع محوری را نشان می‌دهد. اگر محقق ابتدا مسئله یا مسائل تحقیق را صورت‌بندی می‌کرد، البته ساختار پایان‌نامه‌وی نیز مسئله محور شکل می‌گرفت.

موضوع محوری خود منشأ آفات دیگر نیز می‌شود؛ زیرا محقق از تمایز مشکل و مسئله، تشخیص مسئله‌نما^{۱۳} از مسئله واقعی، تفکیک مبانی از مسائل و نیز تشخیص مسئله القاکننده باز می‌ماند و این امر کارایی و اثربخشی تحقیق را کاهش می‌دهد. در این میان تنها به بحث از آسیب در آمیختن مسائل درجه اول و درجه دوم در مطالعه تطبیقی بسنده می‌کنیم.

13. pseudo-problem.

۸. خلط مسائل درجه یک و مسائل درجه دو

گونه‌شناسی، اهمیت فراوانی در اثربخشی پژوهشی دارد. یکی از فنون گونه‌شناسی، تفکیک مسائل درجه اول و مسائل درجه دوم است. تفکیکی که منشأ تمایز هدف گذاری در تحقیق و انتخاب روش‌های مناسب است. دین‌پژوهی تطبیقی اساساً ناظر به مسائل درجه یک است، اما محققان روزگار ما به نوعی از مطالعات تطبیقی در حوزه دین‌شناسی علاقه مند شده‌اند که آنها را به سطحی فراتر از مسائل درجه اول می‌نشانند.

فرض کنید محقق به بررسی تطبیقی ایمان از دیدگاه متألهان جدید مسیحی و متکلمان مسلمان می‌پردازد. چنین تحقیقی را می‌توان براساس دو گونه مسئله، دو ساختار متفاوت داد: حالت نخست آن است که محقق، شأن دین‌شناس را دارد و در پی حل مسائل ایمان است. بنابراین «ایمان» به مسائل وی اشاره می‌کند و او بررسی تطبیقی را پرتوی در فهم و حل مسائل ایمان می‌کند. در این فرض متألهان جدید مسیحی و متکلمان مسلمان دامنه تطبیق هستند. تحقیق بر این اساس، متضمن مسائل درجه اول است.

حالت دوم آن است که محقق شأن فیلسوف کلام را دارد و در پی حل مشکلات و پاسخگویی به مسائل معرفت‌شناختی و کشف ابعاد نظام‌های کلامی و الهیاتی است. براساس این فرض، متألهان جدید مسیحی و متکلمان مسلمان دامنه تحقیق نیستند بلکه به مسائل درجه دو اشاره می‌کنند. دامنه بررسی تطبیقی در این حالت، ایمان است. محقق بررسی تطبیقی را به موردی مهم (از نظر وی) از مباحث کلامی تخصیص و تحدید کرده است.

در آمیختن این دو مقام سبب ابهام در فرایند تحقیق می‌گردد. روی آورد و روش تحقیق در مسائل درجه اول متفاوت از ابزارها و شیوه‌های مطالعه در مسائل درجه دوم است.

نتیجه

عوامل گوناگونی کارایی و اثربخشی دین‌پژوهی تطبیقی را در روزگار و جامعه ما تهدید می‌کنند. در این میان عناصر مربوط به روش تحقیق نقش بیشتری دارند. تصوّر



تحویلی نگر ناقص و نارسا از مطالعه تطبیقی، ظاهرگرایی و بسنده کردن به موارد شباهت و تفاوت ظاهری و فقدان فنون عبور از موارد شباهت و تفاوت ظاهری به مواضع خلاف و وفاق واقعی، موضوع محوری، درآمیختن مسائل درجه اول و مسائل درجه دوم، عدم تمایز مشکل و مسئله، فقدان فنون تبدیل مشکل به مسئله و عدم تمایز مسئله‌نما از مسئله از مهم‌ترین رخنه‌های روشی در دین‌شناسی تطبیقی در روزگار ما است.

منابع:

۱. فرامرز قراملکی، احد، هندسه معرفتی کلام جدید، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۶ ش.
- ترجمه عربی این اثر: الهندسة المعرفية للكلام الجديد، ترجمه: حیدر نجف و حسن العمری، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۳ هـ.ق.
۲. فرامرز قراملکی، احد، روش‌شناسی مطالعات دینی، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۸۰ ش.
- ترجمه عربی این اثر: مناهج البحث فی الدراسات الدینیة، بیروت، معهد المعارف الحکمیة، ۱۴۲۵ هـ.ق.
۳. فرامرز قراملکی، احد، اصول و فنون پژوهش در گستره دین‌پژوهی، قم، معاونت پژوهشی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۳ ش.
۴. کلینی، اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۸ ج، ۱۳۶۵ ش.
۵. مولوی جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران، انتشارات مولی.
۶. هیک، جان، فلسفه دین، ترجمه: بهرام راد (سالکی)، تهران، انتشارات بین‌المللی الهدی، ۱۳۷۲ ش.
۷. یونگ، کارل گوستاو، روان‌شناسی و دین، ترجمه: فؤاد روحانی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۷۰ ش.